

مارسیلیوس اهل پادوا و ریشه‌های سکولاریسم قانونی در قرون میانه

یاشار جیرانی^۱، مصطفی یونسی^۲

چکیده

در نوشتار حاضر تلاش بر این است که به بررسی امکان طرح مفهوم «سکولاریسم قانونی» در آراء مارسیلیوس اهل پادوا بپردازیم. عموم شارحان مارسیلیوس صورت اولیه‌ی از سکولاریسم یعنی «سکولاریسم نهادی» را در آثار او و معاصرانش شناسایی کرده‌اند؛ یعنی سکولاریسمی که مخالف دخالت نهاد کلیسا بمثابه نهاد کلیسا در عرصه سیاسی است. اما همین شارحان از تأیید شکل پیشرفته‌تری از سکولاریسم در آثار او که میتوان آن را سکولاریسم قانونی نامید، امتناع ورزیده‌اند؛ یعنی سکولاریسمی که مخالف دخالت باورهای الهیاتی بعنوان یک منبع رسمی در قوانین است. عموم شارحان معتقدند که این نوع سکولاریسم متعلق به فلسفه سیاسی دوران مدرن و بخصوص جان لاک است و نسبت دادن آن به مارسیلیوس را نوعی آناکرونیزم تفسیری قلمداد میکنند. برخلاف نظریات رایج، این نوشتار تلاش میکند در تقابل با این تفسیر تاریخ‌گرایانه از اندیشه سیاسی مارسیلیوس و از طریق تحلیل متون مارسیلیوس

۳۷

۱. دکترای اندیشه سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)؛ jeirani1980@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس؛ younesie@modares.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۴/۵/۲۸ تاریخ تأیید: ۹۴/۸/۲۶



نشان بدهد که تفسیر وی از ایمان بمتابه امری درونی و سپس خصوصی
میتواند ما را بسمت یافتن صورتی اولیه، اما آشکار از سکولاریسم قانونی در
آثار او هدایت نماید.

کلیدواژه‌ها: مارسیلیوس اهل پادوا، سکولاریسم، قرون میانه، مسیحیت

* * *

مقدمه

نوشتار حاضر در پی بررسی امکان طرح مفهوم «سکولاریسم قانونی» در آثار
مارسیلیوس اهل پادوا^۱ - فیلسوف سیاسی قرن چهاردهم - است.^(۱) در این نوشتار،
مفهوم سکولاریسم قانونی را شکل تعمیق‌یافته نوع بدوی‌تری از سکولاریسم تلقی
خواهیم کرد که میتوان آن را «سکولاریسم نهادی» نامید. سکولاریسم نهادی به
شکلی از سکولاریسم اشاره دارد که اکثر شارحین قرون میانه مسیحی حضور آن را
در آثار نویسندگان قرن چهاردهم مانند مارسیلیوس و ویلیام اوکامی^۲ تأیید کرده‌اند.
این نوع بدوی از سکولاریسم در کلیت به جدایی «نهاد» دولت از نهاد کلیسا اشاره
دارد؛ به این معنا که نهاد کلیسا بمتابه نهاد کلیسا و کشیش بمتابه کشیش، از حضور
در سیاست منع میشوند. در نتیجه، در این نوع از سکولاریسم برغم جدایی نهادی،
امر الهیاتی و منابع الهیاتی همچنان نفوذ «قانونی» خود را در سیاست حفظ میکنند.
بعبارتی، در این نوع از سکولاریسم، نهاد امر الهیاتی سیاست‌زدایی میشود.
سکولاریسم قانونی را باید شکل تعمیق‌یافته این نوع از سکولاریسم فهمید که در
آثار اندیشمندان مدرنی همچون هابز^۳ و لاک^۴ به بلوغ خود میرسد. این شکل از
سکولاریسم به نوعی سیاست‌زدایی از خود امر الهیاتی (یا الهیات) اشاره دارد؛ به
این معنا که مبتنی بودن امر الهیاتی به ایمان بمتابه امری خصوصی باعث میشود که
توانیم امر و باور الهیاتی را بمتابه یکی از منابع رسمی قانون سیاسی بعنوان امری
عمومی در نظر بگیریم. در این معنا، تنها منبع موجه قانون، اراده حاکم (شاه، بزرگان،
مردم و ...) است.

1. Marsilius of Padua
2. William of Ockham
3. Thomas Hobbes
4. John Locke

